

طراحی نقد: گنجاندن نقد نوشتاری در آموزش طراحی داخلی*

نویسنده: مری آن بیچر^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۲

مترجم: اکبر دبستانی رفسنجانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۵



1. Mary Anne Beecher, Ph.D., University of Oregon

۲. مری آن بیچر، گروه معماری داخلی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول مکاتبات)
آدرس ایمیل: dabestani@art.ac.ir

* Anne Beecher, Mary (2006). Designing Criticism: Integrating Written Criticism in Interior Design Education. Journal of Interior Design (31), 54-61.

بسیاری از مؤلفان حوزه طراحی داخلی به ضرورت نگارش مجموعه‌ای از نقدها درباره طراحی داخلی اشاره کرده‌اند که احتمالاً مشروعیت و اعتبار بیشتری برای این حرفه نزد عموم مردم و دیگر رشته‌های مرتبط با طراحی ایجاد می‌کند.^۱ علاوه بر این، هم‌زمان با افزایش میزان نقدهای منتشرشده درباره طراحی داخلی، شاید نقدهای منتقدین بتواند باعث افزایش آگاهی عمومی از نقش اشیاء و محیط‌های طراحی‌شده داخلی در تعامل بین کاربران و محیط‌ها و فرهنگ‌های خاص و بستر شکل‌گیری‌شان شود.

اگر نقدخوانی و نقدنویسی نقش برجسته‌تری در آموزش طراحی داخلی داشت، طراحان داخلی می‌توانستند سهمی پررنگ‌تر در مهیا نمودن این دیدگاه نقادانه داشته باشند. دیکسون^۲ و وایت^۳ (۱۹۹۷) معتقدند که گنجاندن چارچوب انتقادی برای ارزیابی طراحی‌های داخلی در برنامه درسی طراحی داخلی ارزشمند است، چراکه به دانشجویان در تفکر انتقادی‌تر نسبت به کارهایشان کمک می‌کند. باین‌حال، به‌طور معمول در برنامه درسی طراحی داخلی، نقد طراحی همراه با مطالعه تاریخ و نظریه ارائه می‌شود، گرچه توجهی برای محدود ساختن نقد نوشتاری به این عرصه‌های مرسوم وجود ندارد.^۴

این نوشتار الگویی را برای گنجاندن نقدهای نوشتاری حوزه طراحی در قالب کلاسی مشارکتی شرح می‌دهد که قابل اجرا در دوره طراحی داخلی مقبول FIDER^۵ است. گزارش حاضر، به استادان طراحی داخلی کمک می‌کند تا نقدهای نوشتاری را در پیکر تحلیل‌هایی ساختارمند به دانشجویان خود ارائه دهند. همچنین [گزارش حاضر] شرح زنجیره تکالیفی است که با کمک آنها می‌توان دانشجویان را به کاربرد ساختارهای نقادانه، تشویق و توانایی آنها را در طرح استدلال‌های انتقادی سنجید.^۶

چرا باید نقادی را آموزش دهیم؟

نقادی نقشی پراهمیت در آموزش طراحی داخلی دارد و خود را در دروس کارگاه طراحی آشکار می‌کند. در کارگاه‌های طراحی، ارزیابی‌های انتقادی به‌صورت منظم و غالباً عمومی مطرح می‌شوند. باین‌حال، این نوع نقادی معمولاً شفاهی و فی‌البداهه و غالباً پاسخ‌های شهودی هستند. بنابراین، چارچوب‌بندی، بسط و تفسیر استدلال‌های انتقادی منسجم ممکن است برای شرکت‌کنندگان در ارزیابی‌های شفاهی دشوار و ناامیدکننده باشد. در شیوه آموزشی که از نقدهای نوشتاری ساختاریافته، بازخوردهای نوشتاری پاسخگو و مشارکتی و بینش شفاهی مرسوم استفاده می‌شود، دانشجویان می‌توانند به ابزارهایی جهت ارزیابی کارهای سایرین و سنجش میزان پیشرفت خود دست پیدا کنند.

اگر به دانشجویان فرصت پرورش توانمندی‌های نوشتن انتقادی داده شود، بخت این را دارند که خلاقیتشان را به‌کاربرده و گسترش دهند. همانند آنچه در فرایند طراحی معماری انجام می‌شود، بسط استدلال مکتوب و پرمایه انتقادی مستلزم تصمیم‌گیری‌های خلاقانه توسط منتقد است. هنگام طرح استدلال مؤثر، منتقد باید تصمیم‌هایی درباره زمینه^۶ (قدر و چارچوب استدلال)، مفهوم^۷ (موضع انتقادی)، مواد (کلماتی که برای بیان ایده‌ها استفاده می‌شوند) و جزئیات (شواهد مؤید استدلال) بگیرد. دانشجویان طراحی باید فرایند نقدنویسی را عملی خلاقانه به‌شمار آورند که آنها را بر بیان دیدگاهشان به‌صورت گوناگون، قادر می‌سازد. همانند طراحی، اینجا نیز موفقیت دانشجویان در گرو اخذ تصمیم‌های مناسب درباره ساختار و زبان^۸ است.

درنهایت، علاوه بر غنی ساختن فرآیندهای بررسی طراحی از طریق کسب مهارت‌های لازم برای طرح نقد خوب، پاسخگویی نقادانه باعث تقویت مهارت‌های ارتباطی دانشجو نیز می‌شود. امکان انتخاب کلمات دقیق و تدوین راهبردهای پیشرفته شیوه بیان جزو مزیت‌های آموزشی نقد نوشتاری نسبت به نقد شفاهی هستند. در نقد نوشتاری، استدلال‌های مشخص، پیچیده یا ظریف را می‌توان به شکل مؤثر ارائه و دریافت کرد.

یافته‌های این نوشتار حاصل واحدی سمیناری به نام «طراحی داخلی معاصر» است. در این سمینار که پاییز سال ۲۰۰۱ ارائه شد، شانزده دانشجوی کارشناسی و کارشناسی ارشد شرکت کردند. این دوره، با استفاده از طیف جامعی از نشریه‌ها و محیط‌هایی که در همان اطراف به‌تازگی طراحی شده بودند، ویژگی‌هایی برای فضاهای داخلی معاصر و حواشی مرتبط با آنها معین نمود. دانشجویان ترغیب شدند تا با نوشتن مرورهای منسجم انتقادی، متکی بر ساختارها یا الگوهای تعریف‌شده، دیدگاه انتقادی خود را درباره‌ی ویژگی عام طراحی داخلی معاصر تدوین نمایند. با تحلیل موردی نقدهای معماری منشور، نگارنده پنج ساختار خطی، تطبیقی، روایی، عینی-ذهنی، و دیداری در اختیار دانشجویانش قرار داد تا در پرورش مهارت‌های نوشتاری خود از آنها الگو بگیرند. هر یک از این ساختارهای نقادی با دیگری فرق دارد و هرکدام مزایا و معایب خودشان را دارند. این ساختارها در جدول ۱ به‌صورت خلاصه شرح داده شده‌اند.

نگارنده می‌توانست در ارزیابی مطالعات این دوره از شیوه‌های مرسوم آموزش و داوری مانند ارائه‌ی سخنرانی و آزمون بهره‌گیرد. اما این دوره آموزشی با قراردادن نقدنویسی در بستر فرآیندی تعاملی جهت تحلیل محیط‌های طراحی شده موجود، برای دانشجویان فرصت ادغام فراگیری نقدنویسی و طراحی داخلی معاصر را فراهم آورد. [به این ترتیب] دانشجویان قادر بودند تا در مجموعه‌ای از مقالات مدون، نتیجه‌گیری‌هایی فراگیر درباره‌ی وضعیت محیط داخلی طراحی شده‌ی اوایل قرن بیست و یکم مطرح نمایند.

دانشجویان طی این دوره، علاوه بر مطالعه‌ی خصوصیات فضاهای داخلی معاصر، مثال‌هایی از هر ساختار نقادی را جهت فهم کاربرد آن، طرح و بررسی نمودند. آنها پس از بحث مفصل درباره‌ی مسائل طراحی معاصر، ساختارهای نقادی را بر نمونه‌های منشور و معینی از فضاهای داخلی اطراف خود اعمال نمودند. چون در هر تکلیف نقدنویسی، ساختار انتقادی متفاوتی استفاده می‌شد، دانشجویان می‌توانستند تجربه‌ی دست‌اولی از مزایا و معایب نسبی هرکدام به‌دست آورند. به این ترتیب آگاهی دانشجویان بر چگونگی تحلیل انتقادی هر گونه از نقادی، روزبه‌روز افزون گردید.

نمونه	ساختار
بی. کوپر ^{۱۱} (۱۹۹۸)؛ آس و پاس در بوری هیلز، مجله نست، شماره ۲، ۱۱۵-۱۱۴ ام. سورکین ^{۱۲} (۲۰۰۲)؛ تک‌نوازی رم [کولهاس]؛ دیدگاه سورکین درباره‌ی سبک چندملیتی، مجله آرکیته‌کچرال رکورد، شماره ۱۹۰، ۵۱-۵۲	خطی ^{۱۱}
پی. دیویس ^{۱۴} (۲۰۰۲)؛ خاطرات روزمره‌ی لاس‌وگاس، مجله انجمن معماری دانشکده معماری، شماره ۴۸، ۶۳-۵۲ جی. پس ^{۱۵} (۲۰۰۰)؛ در باب معماری داخلی، مجله آیتاره، شماره ۳۹۹، ۱۴۳-۱۴۰، ۲۳۸	روایی ^{۱۲}
آر. پورچ ^{۱۶} (۱۹۸۹)؛ ساعت دیجیتال، مجله دیزاین دیسکورس. کمبریج: انتشارات ام‌آی‌تی، ۱۱۵-۱۱۸ اس. واتسون ^{۱۸} و جی. کوکو ^{۱۷} (۲۰۰۱)؛ کلیساهای تورن‌کراون و میلدرد بی. کوپر: سازه‌های مقدس طراحی شده توسط فی جونز ۲۰. مجله طراحی داخلی، شماره ۲۱۷ (۲)، ۲۵-۱۴	تطبیقی ^{۱۶}
جی. بلومر ^{۱۳} (۱۹۹۸)؛ خانه‌های رنگ‌پریده، سایه‌های زبان‌پریده. مجله اسمبلج، شماره ۳۷، ۶۷-۴۷ ای. کلین ^{۱۳} (۱۹۹۷)؛ چهاردیواری، اختیاری: زندگی خارج از دایره معماری، کمبریج: انتشارات ام‌آی‌تی	عینی-ذهنی ^{۱۱}
جی. برگر ^{۲۰} (۱۹۷۲)؛ شیوه‌های دیدن، نیویورک: انتشارات وایکینگ، ۸۱-۶۶ ان. شور ^{۲۶} (۱۹۹۸)؛ پیر و ژیل: شمایل‌گرایان، مجله نست، ۲، ۴۰-۲۵	مقاله دیداری ^{۲۴}

جدول ۱- نمونه ساختارهای نوشتاری برای نقد طراحی

ساختار نقدنویسی

به‌منظور راهنمایی دانشجویان درباره‌ی نقدنویسی، باید ساختارهای گوناگون نقد طراحی برایشان تعریف می‌شد. ادیسون (۱۹۸۶) و دیکسون و وایت (۱۹۹۷) مدل‌هایی را پیشنهاد کرده‌اند. این مدل‌ها عناوین مشخصی را جهت منظور شدن در نقادی طراحی داخلی ارائه می‌نمایند. اما نویسندگان مذکور در مورد موثرترین شکل انتقال مواضع منتقد درباره‌ی آن عناوین، سکوت اختیار کرده‌اند. از آنجاکه مزیت نقد نوشتاری، تامین ساخت راهبردی برای استدلالی سنجیده است، انتخاب بهترین ساختار برای موضع انتقادی فرد ضرورت دارد. نگارنده به ایضاح ساختارهای انتقادی زیر از طریق تجزیه و تحلیل الگوهای موجود در کتاب‌ها، روزنامه‌ها و مجلات عامه‌پسند مانند نیویورکر، آیتاره، نست، آرکیته‌کچرال رکورد و متروپولیس (۲۰۰۰-۱۹۹۵) نائل آمد. در جدول ۲، نمونه‌هایی برای

هرکدام از این ساختارهای نقادی ذکر شده‌اند.

معایب	مزایا	ساختار
صلبیت: گویی مرزهای سخن انتقادی در این نوشتار مطلق و گذرناپذیر است. محدودیت منظر: تدقیق بیش از حد موضوع و پیوستگی داده‌ها، غالباً مانع نوآوری و فراروی از محدوده‌ی نقد می‌شود.	وضوح: ساختار خطی رابطه علت و معلولی را بیان می‌کند. ۲ = ۱+۱: نتیجه، برآیند منطقی توالی اطلاعات است.	خطی شیء ساخته شده یا محیط به صورت گام به گام با استفاده از مجموعه معیارهای انتزاعی ارزیابی می‌شود و مبتنی بر توانایی تامین شروط مورد نظر منتقد، دآوری انجام می‌گیرد.
خطا در پیش‌داوری: نوشتن مطلب از دیدگاه اول‌شخص برای کارهای تحقیقاتی مناسب نیست. قضاوت شخصی: این نوع نقد مقوم باور عمومی، دایر بر شخصی بودن نظر منتقد است.	دسترسی پذیری: خواننده درگیر نقد می‌شود، چون جزئیاتی در نقد ذکر می‌شود که با منتقد ارتباط دارد. شخصی سازی: وجود جزئیات، خواننده را تشویق می‌کند که با تجربه شخصی اش ارتباط برقرار کند.	روایی در ساختار روایی نقد همانند یک داستان بسط می‌یابد و حضور راوی به قوت احساس می‌شود.
اهمیت انتخاب‌های مناسب: موفقیت قیاس متاثر از امور مقایسه شده است. خطر ارجاعات مبهم: اگر منطق انتخاب طرفین قیاس آشکار نباشد پیوند میان موضوعات سست بنیاد خواهد بود.	ارزش تعدد: طرح مثال‌های گوناگون بر قوت استدلال می‌افزایند. نکته/نکته مقابل: ایجاد جدل یکی از راهبردهای موثر بلاغی است.	تطبیقی در این ساختار، دو یا چند طراحی باهم مقایسه می‌شوند و نتایج حاصل از قیاس مسائل متباین، ارائه می‌شوند.
پپیچیدگی: حفظ انسجام و پیوند دو روایت دشوار است. برداشت‌های اشتباه: همانند ساختار روایی، این ساختار ممکن است به معنای رایج، علمی به نظر نیاید.	قدرت روایت: همانند ساختار روایی، روایت شخصی خواننده را جذب می‌کند. قدرت سخن‌سرایی: پیچیدگی ارتباط‌ها باعث جذب بیشتر مخاطب شود.	عینی-ذهنی ساختار عینی-ذهنی نظرات مختلف را بیان می‌کند و میان روایت شخصی و نظرگاهی عینی یا غیر شخصی در سیلان است.
نسبی بودن حقیقت: وقتی تصاویر فریبنده باشند ممکن است، به اشتباه، با حقیقت یکی پنداشته شوند. ناگفته‌های فراوان: استفاده از تصاویر جهت انتقال بعضی مفاهیم منوط به شناخت مخاطب است.	اطلاعات دیداری: بهره‌گیری از تصورات و تصاویر، توجه آموختگان با طراحی را به خود جلب می‌کند. تصویر موثرتر از کلام: تصاویر چیزهایی را بیان می‌کنند که توصیفشان دشوار است.	مقاله دیداری در مقاله دیداری، بخشی از ماجرا یا کل آن به یاری تصاویر بیان می‌شود. تصاویر مقاله دیداری به درک بهتر متن کمک می‌کند و صرفاً به تکرار نکات مطرح در متن نمی‌پردازد.

جدول ۲- ساختارهای نقدنویسی

انتخاب مناسب‌ترین ساختار برای استدلال انتقادی به اهداف منتقد بستگی دارد. انتخاب ساختار مناسب برای اثربخشی انتقال پیام انتقادی حیاتی او یکی از جنبه‌های خلاقانه نقادی است. از طریق تدوین قالبی مشخص برای گفتمان انتقادی، منتقد توانایی تعیین پیام منتقل شده توسط نقد و نحوه تفسیر پیام توسط خوانندگان را دارد. در ادامه، توضیحات بیشتری درباره پنج ساختار نقد طراحی ارائه می‌شود.

خطی

از میان پنج ساختاری که در نقد اشیاء و محیط‌های طراحی شده استفاده می‌شود، ساختار خطی صریح‌ترین الگو است. در این الگو، طراحی، مبتنی بر ضابطه‌ی نقد گام به گام ارزیابی می‌شود. موفقیت طرح مشروط به برآورده کردن شرایط خاص مدنظر نقدنویس است.

این ساختار نقادی از مزیت وضوح بهره دارد زیرا ساختار خطی اطلاعات بر رابطه علی دلالت می‌کند. به نظر می‌رسد [در این ساختار] نتیجه‌گیری مأخوذ از توالی اطلاعات است. با این حال، عیب این راهبرد ترتیبی این است که چنان حسی از مطلق بودن نتیجه ایجاد می‌کند که انگار هیچ امکان دیگری وجود ندارد. همچنین، موفقیت این ساختار وابسته به توانایی منتقد در محدود کردن نقد به موضوعی کاملاً معین است.

تطبیقی

در ساختار تطبیقی، دو یا چند طرح بررسی و به کمک تجمیع مشابهنها و رفع تضادها، در دفاع از نتیجه‌گیری‌های انتقادی، استدلال ارائه می‌شود. استفاده از مثال‌های متعدد توسط منتقد به وی در تأیید استدلال‌هایش کمک می‌کند. بنابراین، کاربرد ساختار تطبیقی درواقع منتقد را قادر می‌سازد که درس‌هایی را که از طریق تحلیل آموخته است درباره چیزی خارج از چارچوب موضوع بلاواسطه نقد به کار برد. همچنین رفت و برگشت منتقد میان مثال‌ها،

کشف تضادها و تشابهاتی را مقدر می‌سازد که به توسیع درک انتقادی از شیء منفرد مدد می‌رساند. استفاده از ساختار تطبیقی نقص‌هایی نیز دارد. منتقد باید مسئولیت دیگری را نیز بپذیرد: یعنی، باید دو یا چند موضوع را بر مبنای شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان انتخاب کند. موفقیت استدلال انتقادی وابسته به چیزی است که مقایسه می‌شود. همچنین نباید موضوعاتی بسیار خاص یا مبهم انتخاب شوند. در غیر این صورت ممکن است منطق پشتیبان این مقارنه‌های انتقادی، به کفایت، برای تایید نتیجه‌گیری‌های مطلوب منتقد، روشن یا جامع نباشد.

روایی

بسیاری از نمونه‌های معاصر نقد طراحی در رسانه‌های عمومی از کاربرد فرآیند گام‌به‌گام سنجیده خودداری می‌کنند. در عوض، آن‌ها طرفدار استدلال انتقادی روایی‌اند. از آنجاکه این نوع نقد مقید به خط‌مشی‌های سخت‌گیرانه یا کاربرد بیانی عینیت‌گرا در سبک نوشتار نیست، منتقدان روزنامه‌ها یا مجلات، غالباً استدلال‌هایشان را بر مبنای تجربه شخصی و با استفاده از زبانی غیر رسمی و توصیفی ارائه می‌کنند. در این حالت، صمیمیت پررنگ راوی جایگزین شیوه بیان سرد یا عینیت‌گرا می‌شود. با وجود این، تصور باطلی است اگر خیال کنیم ساختارهای روایی که مهر حضور راوی را بر خود دارند واجد عینیت کمتری نسبت به رهیافت‌های خطی یا تطبیقی‌اند. با طرح انتقاد در قالب روایت، خواننده درک بهتری از استدلال انتقادی پیدا می‌کند، زیرا در نقادی، با منتقد همراه می‌گردد. استفاده از ساختار روایی ممکن است خوانندگان را ترغیب کند تا پیوندهایی میان آنچه در نقد آمده است با تجربه‌های شخصی خود بیابند. باین‌حال، ممکن است هنگامی که نقد برای ناشر علمی نوشته شده است، مسائلی پیش بیاید. گرچه، بسیاری از نشریه‌ها اجازه استفاده از قالب روایی را می‌دهند، نوشتن مطلب به زبان اول‌شخص غالباً برای کارهای علمی مناسب تلقی نمی‌شود. علاوه بر این در قیاس با ساختارهای خطی یا تطبیقی، عینیت نقد (تطابق آن با واقع) در ساختار نقد روایی، محل تردید بیشتری است. استفاده منتقد از روایت اول‌شخص ممکن است این باور عمومی را تقویت کند که نقد صرفاً نظر شخصی منتقد است و بنابراین دیدگاهی مستدل نیست.

عینی-ذهنی

ساختار نقادی ذهنی-عینی، همانند نقد تطبیقی واجد حرکت آونگی و مثل نقادی روایی، برخوردار از روایت شخصی منتقد است. این ساختار به تناوب میان روایت شخصی و دیدگاه غیرشخصی در نوسان است. به دلیل ارائه روایت شخصی، این ساختار قادر است، همانند ساختار روایی، توجه خوانندگان را به بحث جلب کند. بسیاری از منتقدان معاصر که نظریه‌های پسا-ساختارگرایی^{۳۱} را مبنای نقدشان قرار می‌دهند طرفدار استفاده از ساختار عینی-ذهنی در کارهای مکتوبشان هستند. آنها به مدد این ساختار منفصل و درعین‌حال چرخه‌ای، می‌توانند گرایش نظری ویژه اظهارات خود را تعیین بخشند. منتقدان از مجرای این ساختار، خوانندگان را در راستای ادراک محیط معماری به مثابه متنی برای خواندن و درک نقش فعال خواننده در این فرایند، سوق می‌دهند. همچنین دیدگاه فوق بر استحکام موضع قائلین به کثرت روایات انتقادی ممکن می‌افزاید. باور به الگوی عینی-ذهنی یعنی هم‌رأیی با این نظر که امکان تفکیک تجربه‌های شخصی منتقد از نقد (و در نتیجه، عدم دخالت نظرات فلسفی حاصل تجربه او در نقادیش) وجود ندارد.

به نسبت سایر ساختارها، ساختار ذهنی-عینی با تغییر مکرر موضع سخن [از ناظر به منظر و بلعکس]، بافت پیچیده و غنی‌تری در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. همانند ساختار روایی، خواننده ترغیب می‌شود تا میان روایت [منتقد] و باورها یا تجربه‌های خود پیوند برقرار کند. ارتباطات حاصل از این شکل پیچیده‌تر مکالمه، ممکن است باعث توجه خاطر بیشتر خواننده به نقد شود.

باین‌حال، درهم‌تنیدن دو نظرگاه ممکن است خواننده را به شکلی گهگاه نامطلوب، گیج یا سردرگم کند. منتقدانی که از این ساختار استفاده می‌کنند باید مراقب باشند که ارتباط (ارتباط‌های) بین این دو روایت همیشه برای خوانندگان روشن باشد. همچنین، همانند نقد روایی، ساختار عینی-ذهنی از الگوهای مرسوم نوشته‌های علمی استفاده نمی‌کند. استفاده از این روش همیشه می‌تواند منجر به سوء برداشت شود [خصوصاً] اگر در نظر خواننده‌ای،

نوشته علمی متنی دارای سبک نوشتاری خاص باشد.

مقاله دیداری

از قدیم گفته‌اند: شنیدن کی بود مانند دیدن! منتقدانی که به این سخن باور دارند از تصاویر (به‌تنهایی یا همراه با متنی کوتاه) برای تحکیم مواضع انتقادی خود استفاده می‌کنند. در مقاله دیداری، تصاویر به درک بیشتر دیدگاه انتقادی یا درک آن به طریقی متفاوت کمک می‌کنند که نمی‌توان آن را با استفاده از کلمات به شکل مؤثر بیان کرد. منتقدانی که طراح نیز هستند قاعدتاً قدرت انتقال تصاویر و توانایی ذاتی آنها را برای توصیف ویژگی‌هایی که بیانشان از طریق کلمات دشوار است، درک می‌کنند. نمودارها^{۲۸} مفاهیم اساسی را بهتر ارائه می‌کنند. بعضی روابط فضایی نیز تنها به مدد برش‌ها قابل تجسم می‌شوند. عکس‌ها به نحوی موجز و موثر می‌توانند در یک نگاه، حسی کیفی از ویژگی‌های مادی مانند جسمیت یا نور ارائه کنند. به همین ترتیب، خوانندگانی که [در ادراک] بینایی‌محورند معمولاً هنگام مواجهه با تصاویر، بهتر جذب می‌شوند.

نقصان‌های احتمالی مقاله دیداری با توجه به پیشرفت‌های اخیر حوزه فناوری افزایش یافته است. درحالی‌که تصاویر همچنان می‌توانند خود را واقعی یا حقیقی بنمایند، دوربین یا اسکیس همیشه قادر بوده‌است کیفیت‌ها را دگرگون ارائه کند. امروزه عکس‌ها و طرح‌ها را می‌توان به‌سادگی در فرایندهای دیجیتال دست‌کاری کرد. برنامه‌های گرافیکی، کاربرلن رایانه و اسکتر را قادر می‌سازد، به نحوی قانع‌کننده، تصویر را به شکل‌های گوناگون و نامحسوس تغییر دهد؛ بنابراین، امروزه باید اعتبار تصاویر را بیش از هر زمان دیگری زیر سؤال برد. دومین معضل به‌کارگیری مقاله تصویری، ناتوانی آن در برقراری ارتباط موثر با تمامی انواع خوانندگان است. منتقدانی که بر تصاویر برای انتقال نظراتشان تکیه می‌کنند، باید با میزان توانایی مخاطبان خود در بهره‌گیری موفق از تصاویر، آشنا باشند. فهم معنای تصاویر برای مخاطبانی ناآشنا با حوزه طراحی گاهی دشوار است.

پیاپی‌سازی

سمینار با معرفی مفهوم توصیف پرمایه^{۲۹} به دانشجویان شروع شد؛ زیرا توانایی توصیف روشن یکی از ضرورت‌های استفاده موفق از ساختارهای نقد است. مردم‌شناسان^{۳۰} از این روش تحلیل تفصیلی برای مشاهده، ثبت و تجزیه و تحلیل فرهنگ‌ها استفاده می‌کنند. با لایه‌ای در نظر گرفتن اطلاعات، به دانشجویان توصیه شد که از برداشت‌های اولیه فراتر روند و مشاهده‌های خود درباره ویژگی‌های کلی و خاص را ثبت کنند. دانشجویان بازدیدهای طولانی از یکی از فضاهای داخلی معاصر واقع در پردیس دانشگاه داشتند و مقاله‌هایی طولانی و با جزئیات درباره خصوصیات آن نوشتند. برای ترغیب دانشجویان به تعمق، آن کسانی تشویق شدند که جنبه‌هایی مغفول از چشم دیگران را یافته بودند.

پس‌از آن، رشته تکالیفی درباره نوشتن مقالات انتقادی به دانشجویان داده شد. نخست، دانشجویان مروری انتقادی با ساختار خطی درباره فضای داخلی ساختمانی اداری نوشتند. طرح این ساختمان معاصر، سه سال قبل در مجله طراحی داخلی^{۳۱} منتشر شده بود. در هر مقاله، تصاویر و اطلاعات مکتوبی که درباره این فضای داخلی ارائه شده بود، توصیف و تحلیل شدند. هر دانشجو این فضای داخلی را بر اساس توانایی آن در گشودن مسیرهای جدید در طراحی اداری مطابق تعریف مجله ارزیابی کرد. یکی از دانشجویان به نام لورا بانسلمایر^{۳۲}، بر اساس تحلیل خود، نتیجه گرفت که بر طبق تعریف مجله طراحی داخلی از دفتر پیشرو، چنین دفتری نیازمند میزهای اداری سیار، استفاده نوآورانه از مصالح و سرویس‌های غیرمعمول در ادارات، مانند حمام، است. اما دانشجوی دیگری به نام ماریا مندز^{۳۳} در مقاله خود اظهار کرد که تعادل بین سیار بودن و ظرافت، کاملاً شکننده است و لذا درستی بهره‌گیری از این دو را مورد تردید قرار داد.

در مقاله دوم از دانشجویان خواسته شد که از رستوران محلی جدیدی بازدید کنند. هر دانشجو، در پیکر ساختار روایی، مقاله‌ای درباره برداشت خود از این تجربه نوشت. به علت شیوه خودمانی ارائه خدمات رستوران، دانشجویان در تلاش بودند که بین طراحی فضای داخلی و تجربه ناهار خوردن، آشتی برقرار کنند. ریانون اولسون-فروم^{۳۴} مقاله خود را به روایت اول‌شخص نوشت و اشاره کرد که «وقتی اینجا غذا می‌خورم همیشه حس می‌کنم در مهمانی

خانوادگی حضور دارم». لورا بانسلمایر، در نقد خود، قهرمانی خیالی خلق کرد، شاهد «عده‌ای که تلی پرسروصدا و نامتعادل از بشقاب‌ها را روی میزهای چوبی کوچکی می‌گذارند تا وقتی که کارکنان، در آخرین لحظه، همانند ابرقهرمانان از راه می‌رسند و سینی‌های اضافی را می‌قاپند و اوضاع آشفته آشپزخانه را سروسامان می‌بخشند».

در مقاله سوم، از دانشجویان خواسته شد که دو فضای لابی ساختمان‌های مهم دانشکده را باهم مقایسه کنند. چون یکی از آنها فضای بزرگ طراحی شده‌ای بود و دیگری فضای مازاد از بازسازی ساختمان، دانشجویان به سادگی توانستند خصوصیات فیزیکی متفاوت این فضاها و نقش قصدیت^{۳۵} در طراحی آنها را ارزیابی کنند.

دانشجویان سرانجام در جملاتی موجز، بر مبنای تمرین‌های قبلی برداشت خود را از فضاهای داخلی معاصر توصیف کردند. سپس، هر دانشجو با بهره گرفتن از شش تا هشت تصویر و یک عبارت که نمی‌توانست تکرار جمله مبنایی مقاله باشد، یکی از آن جملات موجز را در قالب مقاله‌ای دیداری ارائه داد. چکیده جملات مذکور عبارت بودند از: «کارکرد مهم است، ولی شادمانی مهم‌تر است»، «منع ناخوشایند است»، «فضاهای داخلی منحنی مانند فرم‌های مهم هستند نه فضا»، و «انعطاف‌پذیری منجر به [حس] انفصال و غریبگی می‌شود». [نهایتاً] آثار دانشجویان بر طبق توانایی این مقالات دیداری در نمایش چکیده نکته مختص خود، ارزیابی شد.

نتیجه‌گیری

گرچه نقادی هم‌اکنون یکی از عناصر بنیادین آموزش طراحی داخلی است اما شکل رایج آن، یعنی نقد شفاهی، امکانات محدودی برای بسط استدلال‌های انتقادی پیچیده فراهم می‌کند. با این حال، پرورش مهارت‌های انتقادی دانشجویان کنونی، نسل آینده طراحان را قادر خواهد ساخت تا نقش فعال‌تری در خلق مجموعه نقد‌های طراحی داخلی داشته باشند که برای اعتبار این حوزه ضروری تلقی می‌شود.

در صورتی که بتوانیم نشان دهیم فرآیند نقد تا چه اندازه فرآیندی خلاقانه است، خواهیم توانست مشوق ارتباط واحد طراحی و سایر واحدها در برنامه آموزشی طراحی داخلی شویم. در ارزیابی دوره‌ها، دانشجویانی که درکشان از نقد را آموخته‌اند، فرصت این را دارند که مهارت‌های نقدنویسی را به‌خصوص در موضوعات مرتبط با اهداف حرفه‌ای‌شان پرورش دهند. با این حال، کاربرد راهبردها و ساختارهای مناسب برای مقالات (مانند پنج ساختاری که در اینجا ذکر شد)، دانشجویان را قادر می‌سازد که در عین پیروی از الگویی برای فرم نقد، روی محتوا [نیز] تمرکز کنند. پرورش توان انتقال مؤثر مطالب به شکل مکتوب برای رشد حرفه‌ای دانشجویان اهمیت دارد. وقتی در برنامه درسی دانشگاه‌ها به شکل روزافزون از هر فرصتی برای تشویق به نوشتن استفاده می‌شود، تأکید بر فرآیند نقدنویسی به سود استادان طراحی داخلی نیز است.

نقدنویسی ابزار دیگری نیز در اختیار دانشجویان می‌گذارد تا [خود] طراحی را موضوع بحث قرار دهند و از دیدگاهی فراتر از نقش طراح یا سازنده صرف به طراحی بنگرند. دانشجویی در ارزیابی دوره اشاره کرد که این مقالات مشوق او به «دیدن فضاهای داخلی از منظری متفاوت» بوده‌اند. چنین تحلیلی، دانشجویان را ترغیب می‌کند تا نقش فرهنگی طراحی داخلی را درک کنند و آن‌ها را وادار می‌سازد که خارج از منظر مآلوف طراحان به موضوع بنگرند. بنابراین، آموزش نقادی نوشتاری به دانشجویان فرصت می‌دهد تا قابلیت طراحی‌های خود را همچون نشانه‌هایی برای شناخت روزگارشان درک کنند. هیکی^{۳۶} (۱۹۹۷) می‌گوید مزیت و برتری اصلی نقادی در این واقعیت نهفته است که «مواجهه شکننده زبانی منتقد با شیء مرئی همیشه آئی، زودگذر و مستقر در زمینه متنی است». در صورت پذیرش این مقدمه، نقادی روشی برای ثبت زمانه‌مان با ثبت رمزگان محیط ناپایدار اطرافمان خواهد بود.

تمام مزایای آموزش نقدنویسی به دانشجویان طراحی داخلی در خصوص متصدیان یا محققانی که به پیگیری توسعه مجموعه‌ای نوشتاری از نقدهای حوزه طراحی داخلی علاقه دارند نیز صادق است. با واکاوی سنت بررسی انتقادی که مدت‌ها است جزئی از حرفه‌های هنری، معماری، ادبیات و سینما است، منتقدان فضاهای داخلی و اشیاء طراحی شده می‌توانند آگاهی عمومی ما را در خصوص سهم حرفه طراحی داخلی در قبال فرهنگ و محیط افزایش دهند.

33. Maria Mendez
 34. Rhiannon Olson–Froome
 35. Intentionality
 36. Hickey

منابع

لاتین

- Dickson, A. W., & White, A. C. (1997). Interior Design Criticism: Developing a culture of reverence for the interior environment. *Journal of Interior Design*, 23(1), 4–10.
 - Eidson, P. (1986). Critical Thinking: Elements of Interior Design Theory. *Journal of Interior Design Education and Research*, 12(2), 19–24.
 - Fowles, D. (1997). A necessary component. *Journal of Interior Design*, 23(1), 2.
 - Hickey, D. (1997). *Air Guitar: Essays on Art and Democracy*. Los Angeles, CA: Art Issues Press.
 - Wolff, T. F., & Geahigan G. (1997). *Art Criticism and Art Education*. Urbana, IL: University of Illinois Press.
1. Fowles, D., A necessary component; Dickson, A.W. and White, A.C., Interior Design Criticism
 2. Dickson
 3. White
 4. Edison, P., Critical Thinking, pp. 19–24
 5. Foundation for Interior Design Education Research
 6. Wolff T.F. and Geahigan G., Art Criticism and Art Education
 7. Context
 8. Concept
 9. Structure and Language
 10. Linear
 11. B. Cooper
 12. M. Sorkin
 13. Narrative
 14. P. Davis
 15. G. Pesce
 16. Comparative
 17. R. Porch
 18. S. Watson
 19. J. Kucko
 20. Fay Jones
 21. Objective–Subjective
 22. J. Bloomer
 23. A. Cline
 24. Visual Essay
 25. J. Berger
 26. N. Schor
 27. Poststructuralist
 28. Diagrams
 29. Thick Description
 30. Ethnographers
 31. Interior Design
 32. Laura Bunselmeyer



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Designing Criticism: Integrating Written Criticism in Interior Design Education*

Author: Mary Anne Beecher¹

Translator: Akbar Dabestani Rafsanjani²



* Anne Beecher, Mary (2006). Designing Criticism: Integrating Written Criticism in Interior Design Education. Journal of Interior Design (31), 54-61..

1. Ph.D., University of Oregon

2. Instructor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Art, Tehran, Iran

Email: dabestani@art.ac.ir